

ساخت و صرف فعل ساده بلوچی و مقایسه اجمالی آن با فارسی

موسی محمودزهی

گروه زبان و زبان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

در این مقاله ساخت و صرف فعل ساده در دو زبان ایرانی نو - بلوچی و فارسی - مقایسه شده است. مقایسه‌ها نشان می‌دهد که مقولات ساخت و صرف فعل ساده در بلوچی و فارسی از بعضی جنبه‌ها شبیه و از سایر نظرها متفاوت است. به طور کلی محتوای مقاله نشان می‌دهد که:

- ۱- تعداد فعلهای ساده در بلوچی امروزی نسبت به فارسی به مراتب بیشتر و توانایی بالقوه آن برای ساخت واژگان جدید از طریق اشتقاق به مراتب راحت‌تر است.
- ۲- تفاوتها و تشابهات تا حد زیادی براساس اصول قانون‌مند زبانهای ایرانی است.
- ۳- بلوچی بسیاری از ویژگیهای فعلهای ساده زبانهای ایرانی قدیم‌تر را نسبت به فارسی بیشتر حفظ کرده و فارسی مشمول تحولات تاریخی بیشتری شده است.
- ۴- استفاده متقابل از ویژگیهای ساختی و صرفی فعلهای ساده زبانهای بلوچی و فارسی می‌تواند در توانمندسازی یکدیگر این زبانها به کارآید.

کلید واژه‌ها: ساخت^۱، صرف^۲، فعل ساده^۳، بلوچی^۴، فارسی^۵

مقدمه

در رده‌بندی زبانهای ایرانی، زبان بلوچی در دسته زبانهای ایرانی نو - شمالی غربی - جای می‌گیرد.^۱ بنا به شواهد زبان‌شناختی، ریشه زبان بلوچی به زبان فرضی ایرانی باستانی می‌رسد که از آن زبان فرضی، زبانهای اوستایی، فارسی باستان، سکایی مادی و... نیز منشعب می‌شوند. قدمت کهن‌ترین منابع مکتوب به زبان بلوچی به حدود کمتر از دو قرن می‌رسد؛ به همین دلیل اطلاعاتی از وضع دوران گذشته‌تر این زبان در دست نیست؛ اما به کمک مطالعات زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی می‌توان اطلاعاتی از وضع گذشته‌تر آن به دست آورد. این مطالعات نشان داده است که زبان بلوچی نسبت به بعضی از زبانهای ایرانی - از جمله فارسی - ویژگیهای بیشتری از زبانهای ایرانی باستان و میانه را حفظ کرده و از این نظر دارای جایگاه ویژه‌ای است.^۲ این نوشته که دربرگیرنده خصوصیات ۲۱۵ فعل ساده بلوچی است، به بررسی ساخت و صرف این فعلها می‌پردازد. ویژگیهای فعلهای ساده از بعضی جهات برای فعلهای مرکب، مشتق و مرکب مشتق نیز تعمیم دادنی است.

¹ morphology

² conjugation

³ simple verb

⁴ Balochi

⁵ Persian

^۶ زبان بلوچی بعضی از ویژگیهای زبانهای ایرانی شرقی و ایرانی جنوب‌غربی را نیز در خود دارد. برای آگاهی بیشتر رک. Jahani, 2001, p. 59

^۷ ارانسکی؛ زبانهای ایرانی؛ ترجمه علی‌اشرف صادقی؛ صص ۱۳۶ - ۱۳۲.

بررسی ساخت و صرف فعلهای ساده در دو زبان خویشاوند بلوچی و فارسی نشان می‌دهد کاربرد فعل ساده در بلوچی نسبت به فارسی بیشتر است. بعضی از صاحب نظران، زبان فارسی را به دلیل کم‌توجهی به فعلهای ساده و تأکید بر فعلهای ترکیبی، زبانی غیر زایا و حتی عقیم می‌دانند^۱. با قبول اینکه تعداد فعلهای ساده بلوچی از فارسی بیشتر است، می‌توان ادعا کرد که دامنه‌ واژه سازی از طریق اشتقاق در بلوچی نسبت به فارسی گسترده‌تر است. مطالعات علمی درباره‌ زبان و ادبیات بلوچی از اواخر قرن نوزدهم میلادی با تلاش دانشمندانی مانند لیچ، موکله، مارستون، دمس و گایگر آغاز گردید. در تکمیل کار این آغازگران، کار عمده درباره‌ دستور این زبان از اواسط قرن بیستم میلادی با فعالیت دانشمندان بلوچ زبان و دیگر زبان‌پژوهان در اطراف جهان به اوج خود رسید. از آن هنگام به بعد، افرادی چون گیلبرستون، مورگنستیرنه، سوکولوف، اسپونر، گرشویچ، زرین‌نگار، الفنباین، هتورام، کولت، بودراس، احمدزایی، فارل، جهانی، مشکالو، ویلیامز، برجسته، کورن، شه‌بخش و دیگران به تحقیق درباره‌ فعل در کنار دیگر مباحث دستوری همت گماشتند؛ اما تاکنون اثر مستقلی که ساخت و صرف فعل ساده بلوچی را در مقایسه با فارسی مورد بررسی قرار داده باشد، نیافتیم.

مطالب مورد بررسی در این مقاله عبارتند از :

- ۱- ساخت فعل ساده با تأکید بر مقولات پایه، ستاک، صورت مصدری، متعدی‌سازی، سببی‌سازی، مشتقات اسمی و صفتی
 - ۲- صرف فعل ساده از نظر شخص، زمان، وجه
 - ۳- خلاصه‌ مقایسه ساخت و صرف فعل ساده در بلوچی و فارسی در دو جدول جداگانه
- مجموعه فعلهای مورد نظر از دایره‌ واژگان اینجانب است که خود گویشور ۴۵ ساله از بخش مرکزی شهرستان ایرانشهر در بلوچستان ایران هستم. گویش رایج در این منطقه، بلوچی جنوب‌غربی و لهجه آن موسوم به بمپوری^۲ است که از بسیاری جهات با دیگر لهجه‌های زبان بلوچی تفاوت دارد.^۳

ساخت

۱- پایه^۴

۱-۱. پایه‌های اکثر فعلهای ساده یک بخشی‌اند، نمونه:

پایه فعلهای (juš, huš, gir, gažž, meč, lačč, pač, rakk) به ترتیب در معانی مصدری (رهایی یافتن، پختن، چسبیدن، مکیدن، آماس کردن، گرفتن، خشکیدن، جوشیدن)

^۱ برای آگاهی بیشتر ر. ک. باطنی، ۱۳۷۱، صص ۶۲- ۴۵ و عربی، ۱۳۷۳، مقدمه کتاب. یادآوری می‌شود صاحب‌نظران دیگری مانند خسرو فرشیدورد و محمدجواد شریعت مخالف دیدگاه باطنی و عربی هستند و این ضعف را بر زبان فارسی مترتب نمی‌دانند. ر. ک. مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۲، صص ۳۷۱- ۲۶۸.

^۲ Bumpuri

^۳ برای آگاهی بیشتر از لهجه بمپوری نگ. محمودزهی، ۱۳۸۱، مقدمه طرح

^۴ در بعضی منابع، پایه فعل گاهی با ریشه آن و گاهی با ستاک حال آن برابر گرفته شده است. در اینجا منظور از پایه، صورتی از فعل است که ستاکهای اولیه (ستاکهای حال و گذشته) از آن به دست می‌آیند.

۲-۱. تعداد کمی دو بخشی‌اند؛ نمونه:

پایه‌ی فعلهای (ram.biən , par.mâ , nâ.ziən , li.mur , ča.karr , hâ.riən , â.murz) به ترتیب درمعانی مصدری (آمرزیدن، خاراندن، چرخیدن، پژمردن، لالایی خواندن، فرمان دادن، جاگذاشتن).^۱

۳-۱. فعل ساده با پایه سه بخشی نیز دیده می‌شود.

(piə.la.diən) در معنی مصدری (به طور نامرتب پیچیدن).

۴-۱. تعداد فعلهای ساده که آخرین همخوان پایه آنها مشدد است، قابل ملاحظه می‌باشد.

به عنوان نمونه از تعداد ۲۱۵ فعل مورد نظر که به صورت تصادفی انتخاب شده اند، ۶۷ فعل دارای

آخرین همخوان مشدد در پایه هستند؛ مانند (duzz , mall , kaṭṭ , bačč) به ترتیب در معانی

مصدری (رهایی یافتن، کسب کردن، خرامیدن، دزدیدن).^۲

۵-۱. تمام فعلهای ساده که همخوان مشدد در پایان پایه دارند، با قاعده‌اند؛ نمونه:

پایه فعلهای (lačč , burr , gažž) به ترتیب در معانی مصدری (آماس کردن، بریدن، چسبیدن).

۶-۱. بعضی از فعلهای ساده دارای دوپایه‌اند. صورتهای حال این‌گونه فعلها از یک پایه و صورتهای گذشته از

پایه دیگری ساخته می‌شوند؛ مانند پایه فعلی gind به عنوان ستاک حال و پایه فعلی dist/dit به عنوان

ستاک گذشته در معنی مصدری (دیدن). دوفعل ha(st) و bût به ترتیب در معانی (هست و بود) نیز از دو

پایه مختلف می‌آیند.^۳

۲- ستاک

۲-۱. ستاکهای اولیه

۲-۱-۱. ستاک حال: ستاک حال با پایه فعل یکسان است.^۴ مثال: (bar) هم می‌تواند پایه فعل باشد و هم

ستاک حال؛ به عبارت دیگر، پایه فعل از طریق اشتقاق صفر به ستاک حال تبدیل می‌شود. نمودار آن به

طور خلاصه به این صورت است:

ستاک حال → (اشتقاق صفر) + پایه‌ی فعل

۲-۱-۲. ستاک گذشته: در ستاک گذشته، نشانه گذشته به پایه فعل اضافه می‌شود. در این صورت

ممکن است پایه فعل بدون تغییر باقی بماند (برای فعلهای باقاعده) و یا تغییرات واجی در پایه فعل پدید آید

(برای فعلهای بی‌قاعده).

صورت‌بندی فرآیند ستاک گذشته‌ساز برای فعلهای باقاعده و بی‌قاعده به قرار زیر است:

^۱ در این کلمات علامت نقطه (.) مرز بین هجا هاست.

^۲ این پدیده در فارسی نادر است. شاید بتوان (غرت) پایه و ستاک حال (غرتیدن) و امثال آن را در فارسی ذکر کرد.

^۳ برای اطلاع از فعلهای دوپایه‌ای در فارسی ر. ک. طباطبایی، ۱۳۷۶، ص ۴۶.

^۴ به جز در مورد فعلهای دوپایه‌ای.

۱-۲-۱-۲. برای فعلهای باقاعده:

ستاک گذشته → (-ât/-t/-it) + پایه‌ی فعل

مثال: (huš-it) ستاک گذشته، از پایه‌ی فعل (huš) در معنی مصدری (خشکیدن).
 (gwaš-t) ستاک گذشته، از پایه‌ی فعل (gwaš) در معنی مصدری (گفتن).
 (huəšt-ât) ستاک گذشته، از پایه‌ی فعل (huəšt) در معنی مصدری (ایستادن).

۲-۲-۱-۲. برای فعلهای بی‌قاعده

ستاک گذشته → تغییرات واجی در پایه +(-t) + پایه فعل

مثال: (burt) ستاک گذشته، از پایه‌ی فعل (bar) در معنی مصدری (بردن)، با تغییر /a/ به /u/ در پایه؛
 (bast) ستاک گذشته، از پایه‌ی فعل (band) در معنی مصدری (بستن)، با تغییر خوشه‌ی همخوانی /nd/ به /st/
 در پایه؛

(Priht) ستاک گذشته، از پایه‌ی فعل (prinč) در معنی مصدری (فشردن)، با تغییر خوشه‌ی همخوانی /nč/ به /ht/

- بعضی از فعلها با یک پایه دارای دو ستاک گذشته هستند؛ یکی باقاعده و دیگری بی‌قاعده؛
 مانند (mâdiən)، پایه‌ی فعل در معنی مصدری (مایه ماست زدن)، دارای دو صورت متفاوت برای ستاک
 گذشته، شامل: mant و mâdiənt.

۲-۲. ستاکهای ثانوی^۱

ستاکهای اصلی (اولیه) همان دو ستاک حال و گذشته‌اند؛ اما ستاکهای زیرکه به کمک همان دو ستاک اصلی
 ساخته می‌شوند، با گرفتن پسوندهایی به عنوان ستاک ثانوی در صرف فعلها در زمانها، وجوه و برای اشخاص
 مختلف به کار می‌روند. این ستاکها عبارتند از:

۱-۲-۲. (ag+ستاک حال) در صرف مضارع استمراری؛ گذشته‌ی نقلی و گرفتن باب مجهول؛

۲-۲-۲. (ag+ستاک حال) در صرف گذشته‌ی استمراری در حال انجام؛

۳-۲-۲. (ag + ستاک گذشته) در صرف گذشته‌ی نقلی؛

۴-۲-۲. (ag+at+ستاک گذشته) در صرف گذشته‌ی بعید؛

۵-۲-۲. (iən+ستاک گذشته) در صرف گذشته‌ی امری و التزامی؛

^۱ ستاکهای ثانوی: از آنجا که صرف فعل در بلوچی تا حد زیادی ترکیبی (synthetic) است؛ یعنی صورتهای استمراری، نقلی، بعید، التزامی و مجهول خود، دارای نشانه‌هایی هستند که این نشانه‌ها می‌توانند با آن دو ستاک اولیه پیوسته و یک ستاک جدید بسازند؛ ترجیح دادیم که آنها را ستاکهای ثانوی بنامیم. شناسه‌های شخصی می‌توانند مستقیماً به این ستاکها پیوندند و عمل صرف فعل را تسهیل کنند. مورد ستاکهای ثانوی، یکی از موارد تفاوت فارسی و بلوچی از نظر ساخت ستاکها است.

۳- مصدر

فعل دارای دو صورت مصدری است: ۱ - مصدر -ag دار ۲ - مصدر -in دار^۱

۳-۱. مصدر -ag دار؛ شامل پایه فعل و پسوند -ag.

مثال: (raw-ag: رفتن)، شامل پایه فعل، -ag - نشانه مصدری؛

۳-۲. مصدر -in دار؛ شامل پایه فعل، به علاوه نشانه گذشته ساز و پسوند -in ؛

مثال: (wân-t-in: خواندن)، شامل پایه فعل، t - نشانه گذشته ساز، -in - نشانه مصدری.

۳-۳. مصدر نوع (۱-۳) بیشتر در نواحی مرکزی و جنوبی بلوچستان ایران و مصدر نوع (۲-۳) در نواحی شمالی (سرحد) رایج است.

۳-۴. مصدر نوع (۲-۳) که بیشتر در نواحی شمالی (سرحد) رایج است، به مصدر فارسی امروز بیشتر شباهت دارد. به نظرمی آید که این تشابه، بیشتر نتیجه تأثیر زبان فارسی بر بلوچی شمالی (سرحدی) در ایران باشد.

۴- متعدی سازی (گذرای تبدیلی)^۲

برای تبدیل بعضی از افعال ناگذر به گذرا، پسوند -iən به پایه فعل ناگذر افزوده می شود. فرایند صورت بندی آن عبارت است از:

فعل گذرا → (-iən) + پایه فعل ناگذر

مثال ۱: (čar - ag : چریدن)، فعل ناگذر است.

(čâr-iən-ag : چراندن)، فعل گذر است.

مثال ۲: (nind.ag : نشستن)، فعل ناگذر است.

(nâd-iən-ag : نشانیدن / نهادن)، فعل گذر است.

- به هنگام تبدیل، تغییرات واجی نیز قابل ملاحظه هستند.^۳

علاوه بر آن، بعضی از فعلها بدون افزودن -iən، خود دارای دو صورت ناگذر و گذرا هستند. در این فعلها فقط یک تغییر واکه ای ملاک تفاوت است. مانند: (ričag و riəčag : ریختن)، صورت اول ناگذر و صورت دوم گذر است. (sučag و suəčag : سوختن)، صورت اول ناگذر و صورت دوم گذر است. (girâdag و giradag : پختن در مایعات)، صورت اول ناگذر و صورت دوم گذر است.^۴

۵- سببی سازی (تبدیل فعل گذرا به سببی)^۵

برای تبدیل برخی از افعال گذرا به سببی، پسوند -âyin به پایه فعل گذرا افزوده می شود.

^۱ نمونه ای از مصدر دو صورتی در زبان وحی (یکی از زبانهای ایرانی امروزی) را آقای برجسته در صفحه ۱۹ مجموعه مقالات "The Baluch and their neighbours" آورده است.

^۲ آقای علاءالدین طباطبایی در کتاب "فعل بسیط فارسی و واژه سازی، ۱۳۷۶، ص ۵۰" این فرایند را (گذرای تبدیلی) نام گذاری کرده است.

^۳ مانند تغییر صوت /a/ به /â/ در مثال اول و /i/ به /î/ در مثال دوم.

^۴ در بعضی از منابع این فعلها را دو وجهی می نامند. ر. ک. وحیدیان کامیار، ۱۳۸۳، ص ۵۰.

^۵ این متعدی را، متعدی دو مفعولی هم می گویند. ر. ک. احمدی گیوی، ۱۳۷۸، ص ۹۳.

فرایند صورت‌بندی آن عبارت است از:

فعل سببی → (-âyin) + پایه ی فعل گذرا

مثال ۱: (bar-ag : بردن)، فعل گذراست. (bar-âyin-ag : باعث بردن شدن)، فعل سببی است.

مثال ۲: (jan-ag : زدن) فعل گذراست (jan-âyin-ag : باعث زدن)، فعل سببی است.

۶- مشتقات اسمی و وصفی^۱

با استفاده از ستاک‌های افعال ساده و پیشوندها و پسوندها - عمدتاً پسوندها - اسامی وصفات به دست می‌آیند. در اینجا به بعضی از رایج‌ترین آنها اشاره می‌شود.^۲

۱-۶. مشتقات اسمی از طریق وندهای اشتقاقی

مثال	ستاک گذشته	وند	مثال	ستاک حال	وند
Gašt (گشت)	ستاک گذشته	-	duəč (دوخت)	ستاک حال	-
gwašt-ânk (گوش)	ستاک گذشته	-ânk	war-âk (خوراک)	ستاک حال	-âk
rapt-âr (رفتار)	ستاک گذشته	-âr	kuš-âr (کشتار)، در ترکیب با kušt-u-kušâr (کشت و کشتار)	ستاک حال	-âr
dar-šut (گذران زندگی)	ستاک گذشته	dar-	gir-ag (گرفتن)	ستاک حال	-ag
			bakš-iš (بخشش)	ستاک حال	-iš
			gind-uk (دیدار)	ستاک حال	-uk

۲-۶. مشتقات وصفی از طریق وندهای اشتقاقی

مثال	ستاک حال	وند	مثال	ستاک حال	وند
raw-uək (رونده)	ستاک حال	-uək	dân-â (دانا)	ستاک حال	-â
raw-uək-iən (رونده)	ستاک حال	-uək+iən	suəč-âk (سوزناک، تند)	ستاک حال	-âk
nâ-ras (نارس)	ستاک حال	nâ-	raw-ân (روان)	ستاک حال	-ân
dar-war (درخور، مناسب)	ستاک حال	dar-	war-agi (خوردنی)	ستاک حال	-agi
tup-nâk (درخشان، تابنده)	ستاک حال	-nâk	pahriəz-kâr (پرهیزکار)	ستاک حال	-kâr

^۱ برای اطلاع از مشتقات اسمی و وصفی زبان فارسی ر. ک. کلباسی، ایران؛ ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۱.

^۲ بعضی از این مشتقات می‌توانند قیدی باشند. به دلیل بسامد اندک مشتقات قیدی، از ذکر آنها آگاهانه خودداری شده است.

مثال	ستاک گذشته	وند
suht-ag (سوخته)	ستاک گذشته	-ag
suht-ag+iən (سوخته)	ستاک گذشته	-ag+iən
zânt- kâr (دانا)	ستاک گذشته	- kâr
nâ-bi-zânt (نادان)	ستاک گذشته	nâ-bi-

صرف

نکات قابل توجه درباره صرف فعل ساده^۱

۱- زمانها

- ۱-۱. مضارع ساده و مضارع استمراری خبری، مضارع درحال انجام خبری، مضارع التزامی، مضارع امری.
- ۱-۲. آینده ساده خبری، آینده التزامی.
- ۱-۳. گذشته ساده خبری، گذشته استمراری خبری، گذشته استمراری درحال انجام شدن خبری، گذشته نقلی (حال کامل و آینده کامل)، گذشته نقلی استمراری، گذشته کامل خبری و التزامی، گذشته امری و التزامی.

۲- کاربرد ستاکهای اولیه و ثانویه

- کاربرد ستاکهای اولیه و ثانویه در صرف فعل به این قرار است:

- ۱-۲. ستاک اولیه حال در صرف مضارع ساده و مضارع استمراری خبری، مضارع التزامی و مضارع امری و دعایی به تنهایی؛ در صرف مضارع در حال انجام شدن خبری، آینده ساده خبری، آینده التزامی و گذشته درحال انجام شدن خبری همراه با فعلهای کمکی (luəʔag : خواستن) و (guläyiš : درحال انجام شدن) به کار می‌رود.
- ۲-۲. ستاک اولیه گذشته در صرف گذشته ساده خبری، گذشته استمراری خبری به تنهایی؛ در صرف گذشته درحال انجام شدن خبری با فعل کمکی guläyiš به کار می‌رود.
- ۲-۳. ستاک ثانویه استمراری درحال انجام و مجهول با ساخت (ag+ستاک حال) در صرف مضارع درحال انجام شدن خبری، گذشته نقلی استمراری و کلیه ساختهای مجهول.
- ۲-۴. ستاک ثانویه گذشته درحال انجام شدن با ساخت (at+ag+ستاک حال) در صرف گذشته استمراری درحال انجام شدن.
- ۲-۵. ستاک ثانویه نقلی با ساخت (ag+ستاک گذشته) در صرف گذشته نقلی.
- ۲-۶. ستاک ثانویه بعید با ساخت (at+ag+ستاک گذشته) در صرف گذشته کامل خبری و التزامی.
- ۲-۷. ستاک ثانویه گذشته امری - التزامی با ساخت (iən+ستاک گذشته) در صرف، گذشته امری - التزامی.

^۱ افعال مرکب و مشتق و مرکب‌مشتق هم تا حد زیادی به همین گونه صرف می‌شود.

۳- باب مجهول

- فرایند صورت‌بندی صرف فعل در باب مجهول عبارت است از:
 صرف فعل کمکی (bayag : بودن) در زمان مناسب + [-ag] + ماده مضارع فعل اصلی) + مفعول(نایب
 فاعل).

فقط در صرف مجهول و وجه امکانی است که فعل کمکی به دنبال فعل اصلی می‌آید. در هیچ کدام از زمانهای باب معلوم، از فعل کمکی به دنبال فعل اصلی استفاده نمی‌شود.

۴-وندهای تصریفی^۱

این وندها به دو گروه تقسیم می‌شوند: الف - پیشوندهای تصریفی، ب - پسوندهای تصریفی

- ۱-۴. پیشوندهای تصریفی، شامل وندهای امری و التزامی، استمرار و تکرار و نفی و نهی اند .
- ۱-۱-۴. وند تصریفی امری و التزامی مثبت - bi و منفی - ma است.
- ۲-۱-۴. وند استمرار و تکرار - a است . این وند در مضارع ساده و استمراری (هنگامی که فاعل یا مفعول ذکر شود)، آینده خبری ساده و گذشته استمراری، خود را نشان می‌دهد.
- ۳-۱-۴. وند نفی - na و نهی - ma است.

۲-۴. پسوندهای تصریفی، شامل شناسه‌های فعلی (وندهای شخصی) هستند. شناسه‌های صرف فعل در زمان گذشته بر اساس ناگذر یا گذرا بودن فعل مختلفند (فرل^۲، ۱۹۸۹: ۱۲-۳۸) و (فرل، ۱۹۹۰: ۳۹) به همین دلیل می‌توان شناسه‌های صرف فعل را به دو دسته تقسیم کرد^۳:

- ۱ - شناسه‌های کلیه فعلها اعم از ناگذر و گذرا در زمانهای مضارع و فعلهای ناگذردر گذشته
- ۲ - شناسه‌های فعلهای گذرا در گذشته^۴.

از آنجا که شناسه‌ها می‌توانند در تمام جملات نشان‌دهنده فاعل باشند و در صرف ساختمان عامل دار^۵، شناسه‌ها می‌توانند نشان‌دهنده مفعول بی‌واسطه هم باشند، در نتیجه فاعل و مفعول با هم و یا یکی از این دو می‌توانند از جمله حذف شده، جای خود را به شناسه فعلی بدهند.

۵- پرسشی کردن

۱-۵. در تمام جملات، تغییر آهنگ جمله می‌تواند معیار نوع پرسش باشد.

^۱ در بین صیغه‌های صرف فعل، سوم شخص مفرد از نظر شناسه دارای دو صورت است. دیگر صیغه‌ها فقط یک صورت دارند. شناسه‌های سوم شخص مفرد عبارتند از: -t, i (t) - شناسه سوم شخص مفرد برای فعلهای بی‌قاعده، -i (t) - شناسه سوم شخص مفرد برای فعلهای باقاعده.

^۲ Farrel

^۳ فارسی در این مورد با بلوچی اختلاف دارد؛ زیرا در فارسی تغییر زمان و گذرا و ناگذر بودن فعل تأثیری در تغییر شناسه‌های فعلی ندارد.

^۴ در زبان بلوچی صرف فعلهای گذرا در زمانهای گذشته - به جز گذشته‌های التزامی - ساختی به نام ساختمان عامل دار (ergative/agential) دارد که در آن عامل برابر فاعل واقعی (منطقی) و مفعول واقعی (منطقی) برابر با فاعل دستوری است. به عبارت دیگر، شناسه با مفعول واقعی که از نظر دستوری، فاعل دستوری به شمار می‌آید مطابقت می‌کند و نه با فاعل واقعی که عامل باشد. این ساختمان صرف فعل تا حدی با ساختمان صرف فعل گذرا برای زمان گذشته در فارسی میانه مطابقت دارد. برای اطلاع بیشتر ر. ک. آموزگار - تفضلی، ۱۳۷۳، صص ۶۹ - ۶۶.

^۵ ergative

- ۲-۵. اگر پاسخ پرسش (na/hǎn: بله / نه) باشد، تکیه بر فعل است.
- ۳-۵. اگر پرسش درباره هر کدام از دیگر اجزای جمله - اعم از فاعل، مفعول، قیدها باشد - تکیه بر همان جزء می‌آید.
- ۴-۵. اگر جمله پرسشی با یک یا چند قید و یا صفت پرسشی آغاز شود، تکیه بر آن یک یا چند قید یا صفت پرسشی می‌آید.
- ۵-۵. در هر حال قید (bǎriən: آیا، می‌خواهم، بدانم، ...) می‌تواند در آغاز هرگونه جمله پرسشی بیاید و تا حدی نشانه تأکید باشد. آوردن آن برای جمله پرسشی اجباری نیست.

۶- منفی کردن

- ۱-۶. وند تصریفی - na پیش از ستاک حال یا گذشته فعل اصلی می‌آید.
- ۲-۶. برای زمان آینده که از فعل کمکی luəṭag استفاده می‌کند، وند na - پیش از این فعل کمکی می‌آید.
- ۳-۶. در جملات استمراری که فعل کمکی guläyiš داشته باشند و یا دارای ساخت (شناسه + ag + ستاک حال فعل اصلی) باشند، وند na - پیش از فعل کمکی (hastin: هستن/ بودن) می‌آید؛ مانند: man wǎn-ag na-h-un (من در حال خواندن نیستم).^۱
- ۴-۶. برای فعلهای امر و التزامی، وند ma - پیش از ستاک حال یا گذشته فعل اصلی می‌آید. فقط برای منفی کردن گذشته‌ی کامل التزامی به جای ma-، na- پیش از ستاک گذشته‌ی فعل می‌آید.
- ۵-۶. برای امر دوم شخص مفرد در آینده - که به نوعی التزامی هم هست - یکی از دو وند na- و ma- می‌تواند پیش از ستاک حال فعل بیاید. در همین حال برای اشخاص دیگر فقط ma- پیش از ستاک حال می‌آید. مثال: [نباید] بروی..na-raw-i/ [نبايد] بروی..ma-raw-i.

۷- افعال کمکی ساده^۲

- ۱-۷. افعال کمکی شخصی عبارتند از: (luəṭag: خواستن)، (guläyiš: مشغول/آماده)، (bayag: بودن/توانستن)، (kanag: توانستن)، (tuəṇag: توانستن).
- ۲-۷. افعال کمکی غیرشخصی عبارتند از: (miəba: (می‌بایست) (bi: می‌شود)، (balkiə: شاید)، (Saläh: شایسته، به صلاح).
- چنانچه فعل کمکی در جمله وجود داشته باشد، مفعول و متممهای دیگر می‌توانند بین فعل کمکی و فعل اصلی بیایند.^۳

^۱ h- در اینجا از صورتهای ستاک حال bayag است.

^۲ افعال کمکی ساده: چون در این مقاله کلاً بحث درباره افعال ساده است، در اینجا افعال کمکی ساده مطرح شده‌اند و از ذکر افعال کمکی مرکب و یا مشتق مانند (sar gar: مشغول)، (dil jam: آسوده خاطر)، (čānk bayag: مشغول) آگاهانه خودداری شده است.

^۳ برای نمونه‌هایی از صرف فعل در بلوچی به منابع زیر مراجعه کنید:

-Ahmadzai, Agha Amir Nasir Khan, *THE GRAMMAR OF BALOCHI LANGUAGE*, Quetta, 1984.
-Elfenbein, J., *AN ANTHOLOGY OF CLASSICAL AND MODERN BALOCHI LITERATURE*, 1990, Wiesbaden.

- محمودزهی؛ موسی، مقایسه زبان بلوچی با زبانهای ایرانی باستان - فارسی باستان و اوستایی - مجتهد فعل، رساله دکتری، ۱۳۷۷.

مقایسه اجمالی ساخت و صرف فعل ساده در بلوچی و فارسی

تشابهات در ساخت	
-	پایه‌های فعلها یک بخشی، دوبخشی یا سه بخشی‌اند.
-	پایه فعل از طریق اشتقاق صفر به ستاک حال تبدیل می‌شود.
-	فعل دارای دو ستاک حال و گذشته است.
-	فعلها باقاعده و بی‌قاعده‌اند.
-	بعضی از فعلها با یک صورت از ستاک حال، دارای دو صورت از ستاک گذشته هستند.
-	بعضی از فعلها از دو پایه مختلف هستند.
-	یکی از دو صورت مصدری بلوچی که بیشتر در نواحی شمالی (سرحد) رایج است، به مصدر فارسی امروز بیشتر شباهت دارد.
-	فعلهای دو وجهی (ناگذرو گذرا) در هر دو زبان وجود دارند.

تفاوتها در ساخت	
فارسی	بلوچی
فعل دارای یک صورت مصدری است.	فعل دارای دو صورت مصدری است.
ستاک گذشته: (t-یا-d یا-id یا-äd-)+[پایه ی فعل] ، برای فعلهای باقاعده	ستاک گذشته: (et-یا-t یا-ät-)+[پایه ی فعل] ، برای فعلهای باقاعده
ستاک گذشته: تغییرات واجی+(t-یا-d یا-id یا-äd-)+[پایه فعل]. برای فعلهای بی‌قاعده	ستاک گذشته: تغییرات واجی+(t-)+[پایه فعل] ، برای فعلهای بی‌قاعده
ستاک ثانوی ندارد.	دارای ستاکهای ثانوی است.
این پدیده به طور واضح دیده نمی‌شود.	بسیاری از فعلها دارای واج مشدد در پایان پایه هستند و با قاعده‌اند.
برای تبدیل برخی از افعال ناگذر به گذرا: پایه فعل گذرا: (-) (änd & -änid)+پایه ی فعل ناگذر	برای تبدیل برخی از افعال ناگذر به گذرا: پایه فعل گذرا: (-) (iön+پایه ناگذر)
برای تبدیل برخی از افعال گذرا به سببی: پایه فعل سببی → (änd & -änid)+پایه فعل گذرا	برای تبدیل برخی از افعال گذرا به سببی: پایه ی فعل سببی → (-) (iön)+پایه ی فعل گذرا
صفت مفعولی برای گذشته نقلی و باب مجهول: I+ستاک گذشته	صفت مفعولی برای گذشته نقلی استمراری و باب مجهول: ag+ستاک حال
صفت مفعولی برای گذشته نقلی وبعید: I+ستاک گذشته	صفت مفعولی برای گذشته نقلی وبعید: نقلی: ag+ستاک گذشته بعید: ag+at+ستاک گذشته
ستاک گذشته التزامی: ستاک گذشته	ستاک گذشته التزامی: iön+ستاک گذشته

تشابهات در صرف

- ۱- تعداد زمانها یکسان است.
- ۲- سوم شخص مفرد، ساده‌ترین صورت صرفی را دارد.
- ۳- وجه امر صرف همانندی دارد.
- ۴- وند نفی **na-** است.
- ۵- وند امرساز **bi-** است.
- ۶- وندهای منفی‌ساز، نفی، نهی و استمراری‌ساز پیش از فعل اصلی می‌آیند.
- ۷- وندهای منفی‌ساز، نفی، نهی و استمراری‌ساز در فعلهای آینده و مجهول پیش از فعل کمکی می‌آیند.
- ۸- وندهای ستاک‌ساز، گذراساز، صفت مفعولی‌ساز و شناسه‌ساز بعد از فعل اصلی می‌آیند.
- ۹- زمانهای مستمر (در حال انجام شدن) صورت منفی ندارند و برای منفی ساختن آنها از معادل‌های غیر مستمر آنها استفاده می‌شود.
- ۱۰- آهنگ جمله خبری و پرسشی از نظر افتان یا خیزان بودن همانند است.
- ۱۱- استمراری ساده و استمراری در حال انجام شدن همانند است.

تفاوتها در صرف

- ۱- وند نهی) فارسی: **na-**، بلوچی: **ma-**
- ۲- وند استمراری‌ساز فارسی: **mi**، بلوچ **a-**^۱
- ۳- ساخت استمراری فارسی: یا با پیشوند **mi** یا با فعل کمکی (داشتن)؛ بلوچی: نوع خاصی از آن پسوند **ag-** به دنبال ستاک حال برای زمانهای مضارع و پسوند **agat-** به دنبال ستاک حال برای زمانهای ماضی.
- ۴- استفاده از فعل کمکی ۴- الف- فارسی: در صرفهای معلوم برای زمانهای گذشتهٔ بعید، نقلی و التزامی نیاز به فعل کمکی بعد از فعل اصلی دارد. بلوچی: در این صرفها نیاز به فعل کمکی ندارد. این صرفها با ستاکهای ثانوی می‌آیند که مستقیماً شناسه به دنبال آنها می‌آید. ۴- ب- فارسی: برای صرف فعلهای مجهول، فعل کمکی (شدن)؛ بلوچی: فعل کمکی (**būtin**: بودن).
- ۵- استفاده از ستاک فارسی: ستاک گذشته برای صفت مفعولی صرفهای مجهول؛ بلوچی: ستاک حال به‌علاوه پسوند **ag-**.
- ۶- شناسه‌ها) فارسی: شناسه‌های فعلهای گذرا و ناگذر برای مضارع و گذشته یکسان است؛^۲ بلوچی: شناسه‌های فعل گذرا و ناگذر برای مضارع یکسان و برای گذشته متفاوت است.
- ۷- وجه‌فارسی: دارای وجوه خبری، امری و التزامی؛ بلوچی: امری، التزامی، خبری، امکانی (توانایی).^۳
- ۸- فعل اصلی زمان آینده (مستقبل) فارسی: با ستاک ماضی؛ بلوچی: با ستاک مضارع.

^۱ برای آگاهی بیشتر از نشانه استمرار در لهجه‌ها و گویشهای ایرانی ر. ک. کلباسی، مجله گویش‌شناسی، ج ۱، ش ۱، ۱۳۸۲.

^۲ سوم شخص مفرد در زمان گذشته شناسه نمی‌گیرد.

^۳ خانم دکتر زهره زرشناس این وجه را مورد تأیید قرار داده است. ر. ک. زرشناس، ۱۳۸۰، ص ۲۴.

۱- فهرست الفبایی ۲۱۵ فعل ساده بلوچی و معادل فارسی آنها^۱

ردیف	بلوچی	ترجمه فارسی	ردیف	بلوچی	ترجمه فارسی
۱	Ājag	خال کوبی / آچار کردن	۳۰	Čalag	پاره شدن
۲	Āmurzag	آمرزیدن	۳۱	Čamag	چمیدن
۳	Āšupag	آشفتن	۳۲	Čandag	تکان خوردن
۴	Āzirag	آزرده شدن	۳۳	Čarag	چریدن
۵	Adag	مقابله کردن	۳۴	Čaṭṭag	لیسیدن
۶	Arzag	ارزیدن	۳۵	Činag	چیدن
۷	Bâhiṇag	گم کردن، باختن	۳۶	Čurrag	سرازیر شدن
۸	Bânzag	مع مع کردن (گاو)	۳۷	Čuṭṭag	قطع شدن
۹	Baččag	نجات یافتن	۳۸	Dârag	داشتن
۱۰	Badag	یخ بستن، منجمد شدن	۳۹	Dayag	دادن
۱۱	Badalag	تبدیل شدن	۴۰	Duzzag	دزدیدن
۱۲	Bajjag	صرف نظر کردن	۴۱	Dranjag	آویختن
۱۳	Balag	نوردادن	۴۲	Dranzag	آب پاشیدن
۱۴	Bandag	بستن	۴۳	Druššag	آسیاب کردن
۱۵	Barag	بردن	۴۴	Duəčag	دوختن
۱۶	Bayag	بودن	۴۵	Duəšag	دوشیدن
۱۷	Bažzag	قلقلک آمدن	۴۶	Dakkag	گیر کردن
۱۸	Buddag	فرورفتن	۴۷	Dalag	زیر گرفتن / له کردن
۱۹	Buhag	مبهوت شدن	۴۸	Dukkag	برخورد کردن
۲۰	Burrag	بریدن	۴۹	Duəmbârag	غیبت و تحقیر کردن
۲۱	Brânzag	فروغ داشتن	۵۰	Gadag	محاصره شدن
۲۲	Brâhag	برازنده بودن	۵۱	Gahânsag	خمیازه کشیدن
۲۳	Būlag	گیج بودن	۵۲	Gahag	فاسد شدن
۲۴	Būrrag	بالیدن	۵۳	Galag	فاسد شدن
۲۵	Buəjag	رها کردن، گشودن	۵۴	Gappag	واق واق کردن (سگ)
۲۶	Biərrag	بع بع کردن (گوسفند)	۵۵	Gardag	گشتن
۲۷	Čakkarag	چرخیدن	۵۶	Gassag	خستن / به دندان گزیدن
۲۸	Čânkag	در هوا گرفتن	۵۷	Gažzag	آماس کردن
۲۹	Čulag	خراب شدن	۵۸	Giddag	چرت زدن

^۱ توضیح: پسوند -ag همه جا درستون بلوچی نشانه مصدری است.

ساخت و صرف ساده بلوچی و مقایسه اجمالی آن با فارسی

ردیف	بلوچی	ترجمه فارسی	ردیف	بلوچی	ترجمه فارسی
۵۹	Gindag	دیدن	۹۰	Kandag	خندیدن
۶۰	Girag	گرفتن	۹۱	Kapag	افتادن
۶۱	Gurrag	غریدن	۹۲	Kasag	گرفتن سینه (به هنگام سرما خوردگی)
۶۲	Grâdag	پختن درمایعات	۹۳	Kaššag	کشیدن
۶۳	Grappag	گیر کردن	۹۴	Kaṭṭag	کسب کردن
۶۴	Grunčag	فشردن	۹۵	Kijjag	رنجیدن
۶۵	Grūmbag	صدای رعدداشتن	۹۶	Kinzag	خزیدن
۶۶	Gūlag	زیرپا له کردن	۹۷	Kiṭṭag	ناله کردن
۶۷	Gūrrag	غریدن	۹۸	Kuppag	جفت جفت گام برداشتن
۶۸	Gwâhag	موجود بودن	۹۹	Kušag	کشتن
۶۹	Gwârag	باریدن	۱۰۰	Kuṭṭag	قطع کردن/کوبیدن
۷۰	Gwaččag	خم شدن	۱۰۱	Krinzag	جیغ کشیدن
۷۱	Gwajag	بیختن/ازریشه درآوردن	۱۰۲	Kuəčag	خالی کردن
۷۲	Gwapag	بافتن	۱۰۳	Kuərrag	حفر کردن
۷۳	Gwašag	گفتن	۱۰۴	Laggag	برخورد کردن
۷۴	Gwazag	گذشتن	۱۰۵	Laččag	چسبیدن
۷۵	Gūəlag	زیر پا گذاشتن	۱۰۶	Liččag	له شدن و چسبیدن
۷۶	Hâriərag	خاراندن	۱۰۷	Limurag	پژمردن
۷۷	Hillag	هشتن/گذاشتن	۱۰۸	Luččag	خم شدن
۷۸	Hiškunag	شنیدن	۱۰۹	Luddag	خرامان رفتن
۷۹	Hiṭṭag	تکان خوردن	۱۱۰	Lumbag	فروریختن
۸۰	Hušag	خشک شدن	۱۱۱	Luppag	تاب برداشتن/خم شدن
۸۱	Huəkârag	عوق زدن/ حالت تهوع داشتن	۱۱۲	Lurrag	برگرداندن
۸۲	Huəšttag	ایستادن	۱۱۳	Luəjag	آغشتن
۸۳	Jaksag	لرزیدن	۱۱۴	Liəṭag	غلتیدن
۸۴	Janag	زدن	۱۱۵	Larzag	لرزیدن
۸۵	Jakkag	سرفه کردن	۱۱۶	Likkag	نوشتن
۸۶	Jumbag	تکان خوردن/جمبیدن	۱۱۷	Mâdiərag	مایه‌ی ماست زدن
۸۷	Juppag	پریدن	۱۱۸	Mânag	ماندن
۸۸	Jušag	جوشیدن	۱۱۹	Mâniərag	جا گذاشتن
۸۹	Kanag	کردن	۱۲۰	Mârag	شمردن، به حساب آوردن

ردیف	بلوچی	ترجمه فارسی	ردیف	بلوچی	ترجمه فارسی
۱۲۱	Maččag	مقابلہ کردن	۱۵۴	Râyiəṇag	جفت گیری کردن
۱۲۲	Mičag	مکیدن	۱۵۵	Rakkag	نجات یافتن
۱۲۳	Murag	مردن	۱۵۶	Rambiəṇag	جا گذاشتن
۱۲۴	Mušag	مالیدن	۱۵۷	Ramiəṇag	حمله کردن
۱۲۵	Muəkag	به دست آوردن	۱۵۸	Rawag	رفتن
۱۲۶	Miəṇag	آبیاری کردن	۱۵۹	Ričag	ریختن
۱۲۷	Miəzag	ادرار کردن	۱۶۰	Rudag	رُستن
۱۲۸	Nâlag	نالیدن	۱۶۱	Rumbag	جاری شدن/حرکت کردن
۱۲۹	Nâziəṇag	لالایی خواندن	۱۶۲	Runag	درو کردن
۱۳۰	Nâdiəṇag	نهادن	۱۶۳	Ruəpag	روفتن/جارو کردن
۱۳۱	Nažzag	صدای غژ داشتن	۱۶۴	Riəsag	رشتن/ریسیدن
۱۳۲	Nindag	نشستن	۱۶۵	Riəzag	پوده و فرسوده شدن
۱۳۳	Nibisag	نوشتن	۱۶۶	Riəpiəṇag	فریب دادن
۱۳۴	Pâčag	پوست کندن	۱۶۷	Sâčag	ساختن/مناسب بودن
۱۳۵	Pačag	پختن	۱۶۸	Saggag	تحمل کردن
۱۳۶	Parrag	پریدن	۱۶۹	Sarrag	عرعر کردن(الاغ)
۱۳۷	Pahmag	فهمیدن	۱۷۰	Sikkag	آموختن
۱۳۸	Paṭṭag	بازرسی کردن، ترکیدن	۱۷۱	Sindag	گسستن
۱۳۹	Patâyag	پیچیدن	۱۷۲	Sirag	سرد شدن
۱۴۰	Piččag	باز شدن/شکافتن	۱۷۳	Sirrag	بالا جستن
۱۴۱	Pikkag	غر و لند کردن	۱۷۴	Sučag	سوختن
۱۴۲	Piṭṭag	چکیدن/تمام شدن	۱۷۵	Sujjag	تحمل کردن
۱۴۳	Parmâyag	فرمودن/دستوردادن	۱۷۶	Sukiəṇag	تحریک کردن
۱۴۴	Pukkgag	آبدیده و خمیر شدن	۱۷۷	Sumbag	سفتن
۱۴۵	Pulladiəṇag	آغشته کردن	۱۷۸	Surag	سریدن/تکان خوردن
۱۴۶	Pulag	چپاول کردن	۱۷۹	Srappag	کمین کردن
۱۴۷	Pundag	باپنجول له کردن	۱۸۰	Šânag	استفراغ کردن
۱۴۸	Prinčag	فشردن	۱۸۱	Šalâpag	مایعات را دور ریختن
۱۴۹	Pruəšag	شکستن	۱۸۲	Šapag	ریختن
۱۵۰	Pindag	گدایی کردن	۱۸۳	Šappag	سفید کردن
۱۵۱	Puəšag	پوشیدن	۱۸۴	Šulag	فروریختن
۱۵۲	Ranjag	رنجیدن	۱۸۵	Šūlag	کوک زدن
۱۵۳	Rasag	پارس کردن(سگ)	۱۸۶	Šuədag	شستن

ردیف	بلوچی	ترجمه فارسی	ردیف	بلوچی	ترجمه فارسی
۱۸۷	Šionzârag	نالہ کردن (پرنده)	۲۰۲	Ṭagalag	جا به جاشدن
۱۸۸	Taçag	تاختن/دویدن	۲۰۳	Ṭukkag	آرام کوبیدن/آرامزدن
۱۸۹	Tâpag	تافتن	۲۰۴	Wâhag	خواستن
۱۹۰	Takag	ریختن/تمام شدن	۲۰۵	Wânag	خواندن
۱۹۱	Talag	پهن شدن/بازشدن	۲۰۶	Warag	خوردن
۱۹۲	Tarrag	چرخیدن/برگشتن	۲۰۷	Yârag	آوردن
۱۹۳	Turrag	چرخیدن/دورزدن	۲۰۸	Yâyag	آمدن
۱۹۴	Tusag	بیهوش شدن	۲۰۹	Yiowârag	گرده افشانی کردن
۱۹۵	Trakkag	ترکیدن	۲۱۰	Zânag	دانستن
۱۹۶	Traddag	جست و خیز کردن	۲۱۱	Zâyag	زادن
۱۹۷	Trappag	زیرگرفتن	۲۱۲	Zinag	پس گرفتن/به زور گرفتن
۱۹۸	Trappiønag	تهدید کردن	۲۱۳	Zunzurag	تکان خوردن
۱۹۹	Trinzag	ازجاپردن	۲۱۴	Zuppag	به زور به سوی خود کشیدن
۲۰۰	Tumbag	خراب شدن	۲۱۵	zûrag	گرفتن/برداشتن/خریدن
۲۰۱	Ṭahag	سازگارشدن			

یادآوری: باطنی به نقل از خانلری، تعداد فعلهای ساده فعال در فارسی امروز را ۲۷۷ ذکر کرده است؛ اما وی با مطالعات بیشتر و بررسی کار دیگران، وجود رقمی بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ فعل ساده را در فارسی امروز تأیید می‌کند، (باطنی، ۱۳۷۱: ۴۵-۶۲). در حالی که اینجانب بدون مراجعه به مأخذی، در مدت کمتر از ۳ ساعت توانستم در حدود ۳۰۰ فعل ساده فعال درگوش بمپوری از زبان بلوچی را گردآوری کنم. به نظر می‌آید حداقل تعداد فعلهای ساده در بلوچی دو برابر رقم ۳۰۰ باشد.

ضمناً صحت این فعلها بر اساس فرهنگ لغت **بلوچی به بلوچی (سید گنج)** مورد بررسی قرار گرفته است.^۱

منابع

- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد؛ *زبان پهلوی: ادبیات و دستور آن*؛ تهران: چاپخانه‌ی مهارت، ۱۳۷۳.
- احمدی گیوی، حسن؛ *ادب و نگارش*؛ تهران: نشر قطره، ۱۳۷۸.
- ازانسکی، ی. م؛ *زبانهای ایرانی*؛ ترجمه: علی اشرف صادقی، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۷۸.
- باطنی، محمدرضا؛ *پیرامون زبان و زبان‌شناسی*؛ تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۱.

^۱ برای آگاهی بیشتر از محتوای این فرهنگ لغت ر. ک. هاشمی، سیدگنج، کراچی، ۲۰۰۰.

- زرشناس، زهره؛ *نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران*؛ تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۰.
- شریعت زاده، ناهید؛ *واژه‌نامه‌ی زبان‌شناسی*؛ [بی‌جا]: نشر سهیل، ۱۳۷۴.
- طباطبایی، علاءالدین؛ *فعل بسیط فارسی و واژه‌سازی*؛ تهران: مرکز دانشگاهی، ۱۳۷۶.
- فرشیدورد، خسرو؛ *"ساختمان دستوری و تحلیل معنایی اصطلاحات علمی وفنی"*، مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.
- کلباسی، ایران؛ *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز*؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱.
- محمودزهی، موسی؛ *"گردآوری نمونه‌های گویشی زبان بلوچی در بلوچستان ایران"* طرح تحقیقاتی عرضه شده به اداره کل میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱.
- مشکوة‌الدینی، مهدی؛ *دستور زبان فارسی (بر پایه نظریه گشتاری)*؛ مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۴.
- *"نشانه‌ی استمرار در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی"*، *مجله گویش‌شناسی*، تهران: ج ۱، ش ۱، ۱۳۸۲.
- وحیدیان کامیار، تقی باهمکاری عمرانی، غلامرضا؛ *دستور زبان فارسی (۱)*؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- هاشمی، سیدظهور شاه؛ *سید گنج*؛ کراچی: انتشارات سیدهاشمی اکیدمی، ۲۰۰۰ میلادی.
- Ahmadzai, Agha Amir Nasir Khan, *THE GRAMMAR OF BALOCHI LANGUAGE*, Quetta, 1984.
- Elfenbein, J., *AN ANTHOLOGY OF CLASSICAL AND MODERN BALOCHI LITERATURE*, Wiesbaden, 1990.
- Farrell, Tim, "A STUDY OF ERGATIVITY IN BALOCHI", M.A. Dssertation, 1989.
- _____, "BASIC BALOCHI", an introductory course, Napl, 1990.
- Jahani, Carina, "BALOCHI", facts about the worlds languages, an encyclopedia of the worlds major languages, Dublin, 2002.
- _____, and Korn, Agnes, *THE BALOCH AND THEIR NEIGHBHOURES*, Wiesbaden, Reichert Verlag, 2003.